

## **Analyzing Techniques of Simulation and Hyperreality in Children's Thinking: A Review of Ahmad Reza Ahmadi's Children Stories**

Fateme Casi\*

Sedighe Alipoor\*\*

### **Abstract**

The postmodern concept has been introduced in variety of humanities fields including sociology, psychology and philosophy. A famous thinker of postmodernism is Jean Baudrillard, who proposed the theory of simulacrum as the substitute for reality and hyperreality; it can be perceived through philosophical imagination. In Ahmad Reza Ahmadi's works, children are acquainted with the experience of contemporary human to live in a modern world which casts doubt on certainties and pushes him into a realm where boundaries no longer exists. Through Ahmadi's stories, children always experience a suspenseful swinging in the world of fantasy and reality, childhood and adulthood, and borders and boundlessness. Using a descriptive-analytical method, the present study aims to investigate techniques of simulacrum and hyperreality in Ahmadi's works based on Baudrillard's theory from the perspective of children's thinking. The results show that the author wants to guide children to philosophize about life in times of turmoil and confusion resulting from the crisis of modernity, through simulacra such as bringing events of the dream world into the real world, using magic writing and surrealist techniques and so on. In this way, their minds are prepared to reach a world that inspires hope and reduces the bitterness of living.

**Keywords:** Children's stories, Children thinking, Baudrillard, Simulacrum, Hyperreality, Ahmad-Reza Ahmadi's Works.

---

\* Assistant Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University (Corresponding Author),  
Fateme.casi@gmail.com

\*\* Associate Professor of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman,  
salipoor@mail.uk.ac.ir

Date received: 15/06/2020, Date of acceptance: 21/09/2020

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## تحلیل شگردهای وانمودگی و بی‌مرزی در تفکر کودکان با نگاهی به داستان‌های کودکانه احمدرضا احمدی

فاطمه کاسی\*

صدیقه علیپور\*\*

### چکیده

واژه پسامدرن وارد رشته‌های گوناگون علوم انسانی هم‌چون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، و فلسفه شده است. یکی از نظریه‌پردازان پسامدرن ژان بودریار است که نظریه وانموده به‌جای واقعیت و بی‌مرزی را مطرح کرده که از طریق تخیل فلسفی قابل دریافت است. کودکان داستان‌های کودکانه احمدرضا احمدی با تجربه انسان معاصر برای زیستن در جهانی که در قطعیت‌ها تردید می‌کند و او را وارد حیطه بی‌مرزی می‌کند آشنا می‌شوند. آنان با خوانش آثار کودکانه احمدی همواره در دنیای خیال و واقعیت، کودکی و بلوغ، و مرزها و بی‌مرزی‌ها نوسانی تعلیق‌گونه را تجربه می‌کنند. هدف پژوهش حاضر بررسی شگردهای وانمودگی و بی‌مرزی در آثار احمدی بر مبنای دیدگاه بودریار، از دیدگاه تفکر کودکان و به‌روش توصیفی - تحلیلی، است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که نویسنده می‌خواهد با وانموده‌هایی مانند واردکردن اتفاقات دنیای خواب به دنیای واقعی، استفاده از نوشتار جادویی و شگردهای سورئالیستی، و ... تفکر کودکان را به سمت فلسفیدن درباره زندگی در دوران آشفتگی‌ها و سرگردانی‌های حاصل از بحران مدرنیته هدایت کند تا بدین طریق ذهن آن‌ها را برای دست‌یافتن به دنیایی مهیا کند که امید را القا می‌کند و تلخی زیستن را کاهش می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها:** داستان‌های کودکانه، تفکر کودک، بودریار، وانموده، بی‌مرزی، آثار کودکانه احمدرضا احمدی.

\* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، ایران (نویسنده مسئول)، Fateme.casi@gmail.com

\*\* دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران، salipoor@mail.uk.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱

## ۱. مقدمه

دستور کار بنیادی گفتمان پسامدرن ریشه‌کن‌سازی مرزهاست، مرز میان ژانرها و اشکال هنری و نیز میان هنر والا و پست، داستان و تاریخ (هاچن / Hutchen)، واقعیت و خیال (بودریار / Baudrillard) و گفتمان روایی و علمی (لیوتار / Lyotard) که سرانجام این ویران‌گری‌ها به مرزهای دیگر مانند مرز میان طنز و جدیت نیز رخنه می‌کند (تسلیمی ۱۳۹۰: ۲۱۴). نظریه‌پردازان پسامدرن بیش از تولید به مصرف توجه داشته‌اند. از ادعاهای بنیادی پسامدرنیست‌ها در گذر از فرهنگ مدرن به پسامدرن این است که «مردم باید به جای تولیدکننده، مصرف‌کننده در نظر گرفته شوند» (کیویستو ۱۳۸۰: ۱۹۳). بودریار افزون‌بر امر مصرف به نقد تکنولوژی و بازتولید رسانه‌ای رو کرده است. به‌سخن دیگر، مصرف‌زدگی بسیار جهانی را آفریده است که مرز میان واقعیت و خیال (وانموده) را برداشته است. اشباع در مصرف رسانه چون تلویزیون موجب می‌شود که فیلمی سینمایی با فیلمی مستند یکسان پنداشته شود. دال‌ها بر مدلول‌ها چیره شوند و حقیقت دال بدون در نظر داشتن مدلول پذیرفته شود (تسلیمی ۱۳۹۰: ۲۱۵). پست‌مدرن‌ها معتقدند که کودکان عاملان اجتماعی کارآمدی‌اند که می‌توانند در حوزه‌های دیگر نقش‌آفرینی کنند (همان: ۷۸). درعین حال، هم‌چنان‌که می‌توانند نماد آینده‌ای بهتر باشند، ممکن است هم‌چون گروهی ستم‌دیده نیز لحاظ شوند (شیخه و دیگران ۱۳۹۸: ۷۶). در چنین حالتی و با توجه به بحران جهان مدرنیته، که انسان را از عقلانیت دور کرده و بشر ناگزیر در چنین دنیایی به ورطه پوچ‌گرایی افتاده است، نیاز به مقوله‌ای احساس می‌شود که بتواند کودکان را به تفکر درباره نظام زندگی، شناخت شرایط، و امید به زیستن برای آینده‌ای بهتر نائل کند.

ادبیات کودکان نقشی اساسی در رشد فکری و بالندگی شخصیت، به‌ویژه در آموزش ایدئولوژی به آنان، دارد (حامدی شیروان و شریفی ۱۳۹۳: ۱۹-۲۰). لیپمن، یکی از نظریه‌پردازان فلسفه کودک، معتقد است فلسفه مهم‌ترین عامل برای بهبود تفکر کودکان است و به‌کمک فلسفه می‌توان شیوه‌های پرورش تفکر اخلاقی، انتقادی، و خلاق را به کودکان آموزش داد (به‌نقل از صفایی مقدم و دیگران ۱۳۸۹: ۸۴). هم‌چنین، از نظر لیپمن برترین روش برای آموزش تفکر به کودکان استفاده از داستان است (به‌نقل از فیشر ۱۳۸۶: ۲۶۹). برخی از داستان‌ها، به‌ویژه داستان‌های فکری، کودکان را به فکر و در نتیجه تحلیل فلسفی وامی‌دارند. بازآفرینی مفاهیم از طریق داستان‌ها در رشد زبانی، شخصیتی، شناختی، و اجتماعی کودکان

نیز اثرگذار است. این گونه داستان‌ها معمولاً با پرسش و پاسخ‌هایی شروع می‌شود، انواع عواطف را برمی‌انگیزد، و با بخشی سازنده به‌پایان می‌رسد (نورتون ۱۳۸۲: ۲۹). درست اندیشیدن و پرورش قوه تخیل و قضاوت کودکان در سایه فلسفیدن ایجاد می‌شود و این از طریق مهارت‌های فکری و فرهنگ گفت‌وگویی در کودکان امکان‌پذیر است (خانیکی و دیگران ۱۳۹۶: ۲۲). از این منظر، داستان نیز بستر مناسبی برای ایجاد زمینه‌های مکالمه‌ای برای فلسفیدن کودکان است. به‌طور کلی، داستان قدرت تخیل کودکان را برمی‌انگیزد، محرک قدرت‌مندی است که به عواطف و تفکرات آن‌ها توجه دارد، و خوشایند تخیل آن‌هاست (کم ۱۳۹۲: ۳۸).

باتوجه به مباحث پیش‌گفته، پرسش بنیادین پژوهش این است که «مسئله بی‌مرزی و وانمودگی، که مشخصه دنیای پسامدرن است، در ادبیات کودکان چگونه ظهور و بروز یافته و در این میان آثار کودکانه احمدی چگونه است؟ آیا کودکان می‌توانند با این آثار ارتباط برقرار کنند؟». فرضیه این پژوهش این است که بی‌مرزی تخیل در آثار احمدی به‌گونه‌ای است که کودکان را بین دو دنیای متفاوت به تفکر وامی‌دارد. در این زمینه، نویسنده دنیای خیالی را به دنیای واقعی آن‌چنان پیوند می‌دهد که خواننده در برزخ دو دنیای واقعی و وانموده می‌ماند. شخصیت‌ها، حوادث، و رؤیاهایی که پیش چشم خواننده قرار می‌گیرد ذهن او را درگیر جذابیت این دو دنیا و کاوش خیال‌انگیز چگونه‌زیستن و در نتیجه به زیستنی امیدوارانه سوق می‌دهد. باتوجه به پرسش اصلی تحقیق، مهم‌ترین پرسش‌های فرعی به این قرار است: ۱. مهم‌ترین شگردهای بی‌مرزی که کودکان را به فکر وامی‌دارد چیست؟ ۲. کودکان چگونه با این شگردها ارتباط برقرار می‌کنند؟ ۳. وانموده‌های داستان چه مفاهیمی را به کودکان القا می‌کنند؟ برای رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها از نظریه یکی از نظریه‌پردازان پسامدرن، ژان بودریار، بهره می‌گیریم که نظریه وانموده به‌جای واقعیت و بی‌مرزی را مطرح کرده و اذعان داشته است که دریافت این امر از طریق تخیل فلسفی امکان‌پذیر است.

## ۲. پیشینه تحقیق

مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط به این قرار است: کاسی (۱۳۹۹) در «پدیدارشناسی بی‌مرزی در داستان‌های کودکانه احمدرضا احمدی» به تفصیل داستان‌های کودکانه احمدی را از دیدگاه پدیدارشناسانه تحلیل کرده است. در مقاله «وانمودگی در داستان "سوفیا" اثر مستور»

(حجاری و ملکی ۱۳۹۵) وانمودگی به گونه‌ای موافق با نظریه وانمودگی بودریار مطرح و نشان داده شده است که چگونه وانموده‌ها جای واقعیت را می‌گیرند. این وانمودگی محصول جامعه پسامدرن است.

دیگر پژوهش‌های مشابه عبارت‌اند از: مقاله «وجودشناسی پسامدرن در داستان "رویا و کابوس"، نوشته ابوتراب خسروی، با تکیه بر نظریه وجودشناسی (برایان مک هیل)» (شریفیان و لطفی عزیز ۱۳۹۲) و مقاله «مؤلفه‌های پست‌مدرن مجموعه داستانی "یوزپلنگانی که با من دویده‌اند"، بیژن نجدی» (محمودی و پساتین ۱۳۹۶) که در هر دو اثر، هم‌سویی اثر منتخب و تحلیل شده با مؤلفه‌های پست‌مدرنیستی مشاهده می‌شود.

از پژوهش‌های مربوط به تفکر کودکان می‌توان به این مقالات اشاره کرد: «فلسفه و کودکان» (حسینی ۱۳۸۹)، «بررسی مهارت‌های تفکر انتقادی در داستان‌های کودکان و نوجوانان» (کوکبی و دیگران ۱۳۸۹)، و «ادبیات داستانی کودکان و نقش آن در رشد تفکر» (رشتچی ۱۳۸۹).

آنچه این مقاله را از آثار دیگر متفاوت می‌کند وانموده‌های کودکانه است که با واقعیت درمی‌آمیزد، ذهن کودک را به فکر درباره جهان و زندگی وامی‌دارد، و به او می‌آموزد که تنهایی‌ها و تلخی‌های زندگی را چگونه فروکاهد.

### ۳. مبانی نظری پژوهش (بودریار: وانموده، وانمودگی، و بی‌مرزی)

در کتاب *مبادله نمادین و مرگ می‌خوانیم*:

پایان کار، پایان تولید، پایان اقتصاد سیاسی، پایان دیالکتیک دال/مدلول که امکان انباشت دانش و معنا را فراهم می‌آورد و هم‌نشینی خطی سخن ارتباطی را. پایان هم‌زمان دیالکتیک مبادله و ارزش مصرف، یگانه چیزی که امکان انباشت و تولید اجتماعی را می‌داد. پایان ساحت خطی سخن، پایان ساحت خطی کالا. پایان دوران کلاسیک نشانه، پایان دوران تولیدی در جامعه مصرفی که در آن توده‌ها، اکثریت خاموش، به گونه‌ای منفعل و پذیرا کالاها را، برنامه‌های تلویزیون، ورزش، سیاست، و اخبار را مصرف می‌کنند و از خود واکنشی نشان نمی‌دهند. از مفاهیم سنتی پیکار طبقات خبری نخواهد بود. در رسانه‌های همگانی این جامعه اخبار نه به معنای اطلاع‌یافتن، بل در حکم بازتولید است، گونه‌ای بازی با نشانه‌هاست تا دلالت نداشته باشند و بی‌ارتباطی با واقعیت پایه اقتدار قرار گیرد (احمدی ۱۳۸۰: ۴۷۱).

او پسامدرنیسم را توصیف وضعیتی می‌داند که در آن وانموده و فراواقعیت، فوق واقعیت، یا حاد واقعیت (hyper-reality) جای خود واقعیت را می‌گیرد. تصاویر گوناگون پیرامون ما از جمله تبلیغات خیابانی، مجلات و روزنامه‌ها، تصاویر تلویزیونی و سینمایی، بازی‌های دیجیتالی، و غیره جنبه‌های مختلف زندگی بشر را در سیطره خود گرفته‌اند؛ به همین علت، در جامعه معاصر، یا به عبارتی جامعه پسامدرن، دیگر نه با اصل مفاهیم، بلکه با «بدل» یا «تمثال» یا «ایماژ» یا «رونوشت» آن‌ها روبه‌رویم. این تصاویر درحقیقت نوعی فیلتر یا شبکه برای انتقال هرگونه تصویر از دنیای پیرامون به درون ما هستند و بنابراین، تصورات ما نه تنها تعلق به ما ندارد، بلکه از قبل برایمان ساخته و پرداخته یا حتی شبیه‌سازی شده‌اند (پاینده ۱۳۸۳: ۲۹). از این رو، تصویر بر امر واقعی اولویت می‌یابد و می‌توان گفت که «واقعیت معلول این تصاویر است». از این روست که پسامدرنیسم در نظریه بودریار به معنی «از میان رفتن تمایز بین امر واقع و امر شبیه‌سازی شده» است (همان: ۳۰). سیطره وانموده‌ها (تصاویر شبیه‌سازی شده) در جامعه پسامدرن باعث می‌شود که فرق بین اصل و فرع را ندانیم. با سبقت گرفتن بدل از اصل، تصویر واقعی‌تر از خود واقعیت جلوه می‌کند (پاینده ۱۳۹۰: ۴۲۱-۴۶۲)، چراکه فراوانی تصویر از مرجع آن بیش‌تر است و در نتیجه مصرف‌کنندگان را در خود غرق می‌کند. بودریار در کتاب مشهورش با عنوان *وانموده‌ها و وانمودگی می‌نویسد:*

موضوع دیگر تقلید واقعیت (رونوشت‌برداری دوباره) یا حتی تقلید تمسخرآمیز از واقعیت نیست. بلکه موضوع عبارت است از جای‌گزین کردن نشانه‌های امر واقعی به جای خود واقع ... دیگر نمی‌توان توهم واقعیت را ایجاد کرد، زیرا (بازنمایی) امر واقع ناممکن شده است (به نقل از همان: ۴۶۲).

بودریار بی‌مرزی بین واقعیت و فراواقعیت را از آن رو می‌داند که «نشانه‌ها به مرجعی واقعی اشاره ندارند؛ فراواقعیت به جای واقعیت می‌نشیند و مدلول محو می‌شود» (تسلیمی ۱۳۹۰: ۲۸۷-۲۸۸). در چنین وضعیتی، نشانه هیچ‌سختی با امر واقع ندارد و وانمودگی به ایجاد فراواقعیت منجر می‌شود. در نظم اول و دوم هنوز ارتباطی میان امر واقعی و امر شبیه‌سازی وجود دارد، اما در ساحت سوم امر شبیه‌سازی بر امر واقعی ارجح است و آن را تعریف می‌کند. به بیان بودریار، «وانمودگی» (تولید شده از الگوهای امر واقعی است، امری فاقد خاستگاه و فاقد واقعیت: امر (فرا) واقعی (بودریار و دیگران ۱۳۸۹: ۸۵).

بودریار اصطلاح وانموده و وانمودگی را به معنای «تظاهر به وجود چیزی که ناموجود است» و «پنهان کردن این عدم در ورای وانموده» به کار می‌گیرد. او معتقد است در عصر پسامدرنیته، تصاویر جانشین واقعیت شده‌اند، واقعیت برای همیشه رخت بر بسته است، و آنچه به جای مانده فقط پوسته و ظاهری از آن است (تدینی ۱۳۸۸: ۱۱۹). «دیزنی لند»، همان‌طور که واقعیت نیست، غیرواقعیت هم نیست؛ واقعیت جامعه ایالات متحد را وانمود می‌کند، نه فقط شهرها و تصاویر کلیشه‌ای تاریخ آن را، بلکه ذهنیت آن را؛ و به همین دلیل فوق واقعیت است (Baudrillard 1981: 24-28). بودریار بر این باور است که وانمودگی الگوسازی واقعیت در شرایط فقدان آن است و از این رو، آن را فراواقعیت می‌نامد. این اصطلاح نشان‌دهنده شرایطی است که به گفته بودریار، نشانه‌های واقعیت خود واقعیت را مغلوب کرده‌اند و جای‌گزینش شده‌اند یا به روایتی ریشه‌ای‌تر، وضعیتی که در آن اشاره نشانه‌ها به یک‌دیگر، در گردشی پایان‌ناپذیر، ناموجودی واقعیت را پنهان می‌کند و (فراضاً) فضایی ساخته شده از این نشانه‌ها، و نه چیزها، است (حقیقی ۱۳۸۹: ۱۰۰). هدف بودریار در بحث از نظام وانموده‌ها نمایان کردن شیوه تسلط وانموده‌ها بر جامعه معاصر است و این‌که چگونه نظام تازه‌ای ساخته شده است (Baudrillard 1976: 75-128).

حال، با این نگاه که ادبیات داستانی کودک، به دلیل ربط و نسبت نزدیک جهان ذهنی کودکان که با تخیل سرشار همراه است با مسئله سيطرة وانمودگی / واقعیت، قابل‌کاوش و تأمل ویژه است، آثار احمدرضا احمدی را بررسی می‌کنیم.

#### ۴. بحث و بررسی (تفکر کودک، وانمودگی، و خیال)

از دیر ایام، بشر از طریق تخیل و داستان‌پردازی اندیشه‌ها و آرمان‌ها و آرزوهای خود را تجسم می‌بخشیده و داستان خیالی موجبات برانگیخته شدن احساسات، تمایلات، و تفکرات مخاطبان می‌شده است. یکی از عمده‌ترین مقولاتی که ذهن و فکر کودک را به فعالیت وامی‌دارد خیال‌انگیزی، به‌ویژه از طریق داستان‌پردازی یا خیال‌انگیزی به واسطه خوانش داستان، است. موضوع وانمودگی، که تفکر پست‌مدرنیته را به نحو فزاینده‌ای تحت‌تأثیر قرار داده، بر داستان‌های کودکان احمدرضا احمدی نیز سایه افکننده است. وانموده‌ها در آثار کودکان احمدی خواننده را وارد دنیایی می‌کند که تفکیک مرز واقعیت و تخیل چندان آسان نیست. در این رفت‌وآمد به دنیای تخیل و واقعیت گاه مرزها شکسته می‌شود و خواننده خود را یک‌سره در دنیای تخیلی‌ای می‌بیند که خود را به دنیای واقعیت تحمیل کرده است. این تحمیل ریشه در خواست خودآگاهانه نویسنده برای ایجاد فیلتری بر دنیای پیرامون خود



(دنیای بدون تخیل بزرگ‌سالی) دارد که در دنیای شاعری‌اش نیز از آن بهره برده است: «و من با اندوه پذیرفتم که دیگر کودک نیستم». ذهن کودکی احمدی همه‌جا سر بر می‌آورد و با تلطیف دنیایش، زندگی را برایش آسان‌تر می‌کند. او برای ورود به دنیای بی‌مرزی از شگردهای فراوانی استفاده می‌کند که اغلب آن‌ها کاملاً معنامندند. او با بهره‌گیری از شگردهای جادویی، سورئالیستی، و سمبولیک فلسفه فکری خود را در این زمینه بیان می‌کند و گاهی نیز از بی‌مرزی‌های بی‌معنای پست‌مدرنی برای رسیدن به مقصود نهایی خود بهره می‌جوید. در ادامه، این شگردها را به‌طور مبسوط بررسی می‌کنیم.

## ۱.۴ شگردهای وانمودگی و بی‌مرزی

### ۱.۱.۴ یگانگی دنیای خواب و دنیای واقعی

اگرچه خواب و رؤیا نمایاننده بخشی از رؤیاهای احمدی است که آن را در قالب داستان کودکان نقل می‌کند، اما گویی خواب و واقعیت در این داستان‌ها در یک امتدادند و هیچ حدومرز مشخصی ندارند. در این داستان‌ها، کودک در فضایی گم‌شده در میان بیداری و خواب در پی محقق کردن آرزوی خویش است. اساساً احمدی در تمام این داستان‌ها خواهان فروپاشی این مرزبندی‌هاست که در ذهن کودکان عجیب نیست. هیچ‌کس در این دنیای کودکان از این درهم‌رفتگی شگفت‌زده نمی‌شود و قوانین این دنیا برای آن‌ها آشناست. کودک در این دنیای بی‌مرز سعی می‌کند تا بر مشکلات خود فائق آید و به هویتی یک‌پارچه دست یابد. هم‌چنین می‌تواند با واقعیاتی چون تنهایی انسان کنار بیاید و حضور مصرانه تنهایی مدرن شده دیگر برای او آزاردهنده نیست. با این تمهیدات، دیگر نیازی به تعبیر رؤیا نیست، چراکه رؤیا همان واقعیت است. رؤیا در این دنیا، هم‌چون زندگی انسان بدوی، پدیده روان‌شناختی صرف نیست، یا «تجربه واقعی روح در هنگام جداشدن از بدن» (فروم ۱۳۸۸: ۱۲۶)، بلکه رؤیا و واقعیت درهم‌آمیخته‌اند:

پسرک با یاد باغ بزرگ به خواب رفت. پیرمرد صاحب باغ بزرگ به خوابش آمد. پیرمرد با مهربانی به پسرک گفت: «فردا صبح به باغ بزرگ برو. در انتهای باغ بزرگ، کنار یک درخت سرو کهن، جعبه‌ای در خاک دفن است. جعبه را از خاک بیرون بیاور و به خانه ببر و درش را باز کن». پسرک صبح که از خواب بیدار شد، آرام به انتهای باغ رفت. کنار درخت سرو کهن رسید. زمین کنار سرو کهن را کند و کند تا نزدیک‌های ظهر در عمق گودال جعبه‌ای چوبی را یافت (احمدی ۱۳۸۷: ۱۴).

می‌توان گفت این خواب‌ها نوعی یاری‌رسان ذهنی‌اند که داستان کوچک و کم‌توان کودک را در راه رساندن به آرزوهای کودکانه یاری می‌دهند. آرزوهای کودک داستان‌های احمدی آرزوهای روزمره‌اند که کودک با تکیه به خود کمر به برآورده کردن آن می‌بندد. درست مانند آنچه در داستان «الفی اتکینز و دوست خیالی‌اش» دیده می‌شود. الفی پسر تنهایی است که با پدر خود زندگی می‌کند. مالکوم که بهترین دوست اوست در ذهن الفی شکل گرفته است و زمانی که الفی تنهاست می‌آید. بعضی وقت‌ها با الفی به مهد کودک می‌رود، اما هیچ‌کس جز الفی، حتی بابایش هم، نمی‌تواند او را ببیند. یک روز، مالکوم و الفی پیپ محبوب بابا را برمی‌دارند و پیپ گم می‌شود. الفی با نمایش رؤیایی دوست خیالی‌اش در داستان امیدوار است که بتواند در حل مشکلاتش از او کمک بگیرد و با کمک ذهن ناخودآگاه خویش، پدر را راضی کند. تصویرگری مالکوم بسیار ساحرانه و خلاقانه صورت گرفته است. مالکوم شبیه به الفی کاملاً شبیح‌گونه و بی‌وزن است و با نقطه‌چین‌های اطراف بدنش چون تصویر آینه‌ای بی‌رنگی است که از الفی جدا می‌شود و گویی نیمی از اوست که زمانی با الفی یکی بوده است (پاک‌پور ۱۳۸۹: ۹۵). بدین ترتیب، کودک داستان با ورود به دنیای رؤیایها می‌تواند به حرکت درآید و هرآنچه را که دست‌نیافتنی است به دست آورد، چنان‌که چون «مالکوم» تمام واقعیت‌های تلخ و بزرگ را در هم شکند و یا چون پسرک داستان «در باغ بزرگ، باران می‌بارید» با به دست آوردن قدرتی خارق‌العاده و با جسارت به آرزوهای رنگارنگ و خواستنی خود ورود کند.

#### ۲.۱.۴ و نمودگی نوشتار جادویی

به حقیقت پیوستن واژه‌ها و کلمات در آثار احمدی به موتیف تبدیل می‌شود. او در این داستان قدرت جادویی نوشتار را به تصویر می‌کشد. او خالق دنیایی رنگارنگ است که جای خود را به سفیدی نور تابناک خورشید می‌دهد، چنان‌که در عرفان نیز این مفهوم از تاریکی به نور رسیدن را القا می‌کند یا در فلسفه ذهن، همان از عدم شناخت به شناخت رسیدن است. «در اتاق سوم، دیوار سفیدی بود، پسری کنار دیوار سفید آمد و روی دیوار نوشت: باران، باران بارید» (احمدی ۱۳۸۷: ۲۴). او بدین گونه جهانی را به وسیله واژگان خلق می‌کند. این ویژگی در کتاب‌های باز هم نوشتم صبح، صبح آمد، نوشتم باران، باران بارید، و ناگهان چراغ‌ها خاموش شدند نیز دیده می‌شود. او، در جهانی که واژگان حکم‌رانی می‌کنند، تصاویری را جانشین واقعیت می‌کند و از واقعیات تلخ

می‌گریزد و دیگر هیچ نشانی از این واقعیات به‌جا نمی‌گذارد و بدین گونه با این وانموده‌ها فراواقعیت را جانشین واقعیت موجود می‌کند. تفاوت آثار بزرگسالانه احمدی با آثار کودکانه او در این است که وی در آثار بزرگسالانه‌اش برای بازیابی آرزوها با موانعی مانند مرگ، تنهایی، و ... روبه‌رو است که امکان کنارزدنشان نیست، اما در آثار کودکانه او این موانع با استفاده از وانموده‌ها با شکست مواجه می‌شوند و آرزوها در دنیای خیال محقق می‌شوند. هم‌چنان‌که واژگان در دنیای کودکانه جوان و شادند، قدرت باروری دارند، زایا هستند، و تولید می‌کنند، این قدرت خود را به ذهن کودکان نیز القا می‌کنند. چنان‌که در این داستان می‌بینیم، باد شمع‌هایش را خاموش می‌کند و عمر کبریت‌هایش کوتاه است، اما جادوی رخ‌نمودن ناگهانی گل‌های شمع‌دانی و نرگس و پامچال، جادوی به‌میوه‌رسیدن چهار فصل و به‌آوازدرآمدن سازهای حیات، و ناگهان روشن شدن همه فانوس‌ها و شمع‌ها و چراغ‌ها، و بالأخره جادوی تاییدن نور و آشکارشدن کیسه‌های گندم و عدس و برنج، و جلوه‌گری ناگهانی نور خورشید کودکان خسته از زندگی را به نوری امید می‌بخشد که نه زوال دارد و نه مرگ و هیچ‌چیز حتی حسد نمی‌تواند عمرش را بگیرد.

او در دیگر آثارش نیز با این وانموده‌های قدرت‌مند مواجه می‌شود، چنان‌که در کتاب *نوشتن باران، باران بارید* وانموده‌ها در آن با «تصاویر» به‌کمک کودک می‌آیند: «روی دیوار دانه‌های باران را نقاشی کردم. باران بارید و روی برگ‌های سبز ریخت. برگ‌های سبز سفید شدند. آن‌وقت، دو گنجشک را در میان برف‌ها دیدم» (همان: ۱۷).

کودک با مداد رنگی و نقاشی وانموده‌ها و فراواقعیت‌هایی را جای‌گزین واقعیت (نبودن پدر) می‌کند و با کمک این وانموده‌ها دوران دوری پدر را به‌خوبی با بازگشت او پیوند می‌زند. در کتاب *باز هم نوشتم صبح، صبح آمد فراوانی* وانموده‌ها بازگوکننده آرزوهای کودکی است که خواهان رقم‌خوردن اتفاقات خوب در طول سالیان دراز برای خانواده خود است. البته تصاویر کتاب نیز برجستگی این آرزوها را پررنگ‌تر می‌کند. تصویرگر با استفاده از تصاویر رنگارنگ و برانگیزنده احساسی را فعال می‌کند. هم‌چنین، شدت رنگ یعنی استفاده از رنگ‌های پررنگ، که نشان‌دهنده هیجان و انرژی بالاست (مقداری ۱۳۹۵: ۳۳)، آن را متنی مرتعش می‌نمایاند. منظور از ارتعاش میزان شدت رنگ است. بدین ترتیب، با استفاده از جادوی واژگان رنگارنگ دنیایی خلق می‌کند که در آن کودک به جست‌وجوی آرزوهایی می‌رود که امکان تحقق آن در دنیای واقعی وجود ندارد.

### ۳.۱.۴ وانمودگی دنیای سورئالیستی

در آثار کودکانه احمدی، دنیای رنگارنگ خیال هر بار به شکلی رخ می‌نماید. یکی از شگردهای او در این شکل استفاده از ایده‌های سورئالیستی است. یکی از ویژگی‌های سورئالیست‌ها عصیان‌گری است:

این عصیان حاصل هوس روشن‌فکرانه نیست، بلکه برخوردی است تراژیک بین قدرت‌های روح و شرایط زندگی: سورئالیسم در نومیدی عظیم در برابر وضعی که انسان بر روی زمین به آن تنزل پیدا کرده است و امید بی‌انتها به دگرپرسی انسانی زاده شده است (مجاوری آگاه ۱۳۹۲: ۹۳).

سورئالیست‌ها در طرف‌داری از تخیل در مقابل عقل‌گرایی و ماده‌گرایی با رمانتیک‌ها هم‌آواز بودند .... دغدغه آن‌ها آزادکردن تخیل و گسترش دادن تعریف واقعیت است (بیگزبی ۱۳۷۵: ۷۶، ۹۶). احمدی از این ویژگی سورئالیستی برای تحقق‌بخشیدن به دنیای کودکان سود می‌جوید. او، با عصیان در برابر قیدوبندهای دنیای معاصر، دنیایی را در برابر دیدگان خوانندگان قرار می‌دهد که در آن از تهی‌دستی روحی انسان معاصر خبری نیست و تحقق همه‌چیز امکان‌پذیر است. او از طریق قدرت تخیل «نشده‌ها را به «شد» تبدیل می‌کند. اگرچه ساختارشکنی خودآگاهانه احمدی گویی ناخودآگاه تسلیم نمادها شده است، او به کمک نمادها به دنیای وانموده‌ها قدم می‌گذارد. از نمادها بهره می‌جوید تا به تصویری فراواقع و بی‌کران دست یابد. در داستان حاضر، پیرمرد از کودکان خواسته بود که در روز هفتم از هفت اتاق دیدار کنند؛ ناگهان پیرمرد آمد و در اتاق دوم را باز کرد:

پسران و دختران در پنجره اتاق دوم باغ را دیدند که در آن اسبی سفید در یک سیستان، زیر درخت سیبی، بود و بر شاخه درخت فقط یک سیب سرخ باقی مانده بود. اسب با تنه به درخت سیب زد، سیب سرخ روی یال اسب افتاد. باران می‌بارید. سیب بر یال اسب بود. اسب با سیب به دریا رفت. سیب بر یال اسب بود. کنار دریا، پسرکی سیب سرخ و اسب را دید. اسب را صدا کرد. اسب به‌سویش آمد. پسرک سیب را از یال اسب برداشت و بو کرد. پسرک سیب را با گردن‌بندی بر گردن اسب آویخت. زمستان آمد. برف می‌بارید. یک روز صبح که پسرک از خواب بیدار شد از پنجره کلبه دید در سفیدی گندم‌زاری که پوشیده از برف بود سفیدی بزرگی می‌دوید که کنارش سرخی کوچکی بود. اسب سفید تند دوید. هراس نداشت که سیب سرخ از یالش به زمین بیفتد و او تنها بماند. پسرک پنجره کلبه را باز کرد، اسب را صدا کرد، سیب را صدا

کرد. اسب کنار پنجره آمد، سیب بر گردنش آویخته بود. ناگهان بهار آمد و درختان سیب شکوفه دادند. پسرک کره‌اسبی را در بهار دید که زیر درختان سیب منتظر ریختن شکوفه سیب بود. پسران و دختران در سکوت فقط تماشا می‌کردند (احمدی ۱۳۸۷: ۲۶).

این بخشی از داستان و صورت کوتاه‌شده‌ای از کتاب *اسب و سیب و بهار* است. کودک (پسرک) در هر دو کتاب نقش یاری‌گر را دارد، با این تفاوت که در کتاب *اسب و سیب و بهار* پسرک در گندم‌زار مشغول دروی گندم بود و سیب را کنار خرمن‌ها دید و بی‌خبر از داستان *اسب و سیب*، قصد خوردن سیب را داشت، اما با بستن سیب به گردن اسب، دوباره آن دو را که از هم دور شده بودند به هم نزدیک کرد. تصاویر به‌کاررفته در این کتاب سبک انتزاعی‌تری از تصویر اسب در کتاب *در باغ بزرگ باران می‌بارید* دارد، اما کاملاً انتزاعی نیست و نشانه‌های خیال با عناصر نیمه‌انتزاعی نمودار می‌شود. در صفحه ابتدایی کتاب، تصویری نیمه‌انتزاعی از درخت دیده می‌شود که گویی کودکی (پسر بچه‌ای) درون آن دیده می‌شود. تصویر درخت بزرگ‌تر از تصویر کودک است و تصویرگر با برهم‌زدن مقیاس در اجزای تصویر و قراردادن دو تصویر بر روی یک‌دیگر (هم‌پوشانی) به انتزاع دست یافته است. هم‌پوشانی تصویر درخت و جنگل در تصویر صفحه هفتم کتاب هم دیده می‌شود، اما این بار تصویر اسب کمی بزرگ‌تر از تصویر درخت به چشم می‌خورد. گویی تصویرگر قصد دارد هم‌راهی اسب و درخت را پررنگ‌تر به‌نمایش بگذارد. در تصویر کتاب *در باغ بزرگ باران می‌بارید* فقط اسبی را می‌بینیم که سببی سرخ بر گردن دارد. تصویر این اسب در کتاب شفاف‌تر و بزرگ‌تر است. اسب یال‌های قرمزرنگی دارد و تنها سروگردن اسب تصویر شده است. تصویر چشمان بسته اسب با سیب آویخته بر گردن شکلی کاملاً فراواقعی را در معرض دید کودک قرار می‌دهد. استفاده از رنگ‌های آبی، قرمز، و سفید نیز تصویر را خیالی و خارج از روی داده‌های آشنای روزمره نشان می‌دهد. از رنگ‌های سبز در پس‌زمینه (آبی، قهوه‌ای، و سبز) و رنگ‌های گرم (قرمز) در کاراکتر استفاده شده است. بنابراین، با کثرت رنگ‌های سرد در تصویر، کودک از فضای گرم و آشنا دور می‌شود و رنگ‌های سرد از حرارت تصویر می‌کاهد و آن را مناسب برای فضای ذهنی و انتزاعی می‌کند.

جای‌جای کتاب پر است از نمادهای عشق و باروری که اساس و هدف آفرینش است. دغدغه احمدی در همه‌جای کتاب و حتی دیگر کتاب‌های کودکانه‌اش رهایی از ترس و تنهایی و دستیابی به مانایی، جوانی، و شادی پایدار است که مصرانه با نقاب‌های رنگارنگ و متفاوت هم در این کتاب و هم در کتاب‌های دیگر رخ می‌نمایند. او گاه با استفاده از این نمادها از نمادهای آشنا آشنایی‌زدایی می‌کند، بدین معنی که نمادها به چهره خیال او رنگ

آشنا تر می‌دهد و بدین گونه وانموده‌هایی خلق می‌شود که واقعیات تلخ روزمره را به‌حاشیه می‌برد و واقعیات (وانموده‌های) خلق‌شده را به متن دل‌خواه خود و البته کودکان تبدیل می‌کند. شاید کودک نتواند به راحتی به ارتباط نماد اسب، سیب، و آب پی ببرد، اما کاملاً می‌تواند در این دنیا با کمک تخیل خود زندگی کند. احمدی نه تنها در این اثر، بلکه در بیش تر آثارش خود و کودک را به باغی دعوت می‌کند که در آن عشق، باروری، برکت، و فراوانی موج می‌زند و قدرت کلان روایت‌هایی را که سوژه‌های فردی را کنترل و سرکوب می‌کند در هم می‌پیچد و پارادایم نگاه سستی را در هم می‌شکند، او در هر جا از خطوط قرمز انسان بزرگسال فراتر می‌رود و وارد دنیای شخصی خود می‌شود.

اسب در متون اسطوره‌ای به عنوان مرکب مقدسی است که همواره بیان‌گر شکوه ایزدان بوده است. چهره اسب در افسانه‌های ایران نیز گویای همین پیوند آن با ایزدان و اسطوره‌هاست. اسب‌های پری‌زادی که راکب خود را یاری می‌دهند یا اسب‌هایی که تولدی عجیب و غریب دارند و یا اسب‌هایی که از آب بیرون می‌آیند (غیبی و ویسی ۱۳۹۴: ۱۲۱).

«در افسانه‌هایی با محوریت اسب، به نظر می‌رسد وجود عنصر آب امری ضروری است و پیوند همیشگی دارد» (همان: ۱۲۴).

در این داستان نیز اسبان کنار رودخانه‌اند و آب نقش مهمی در این داستان برعهده دارد. در داستان اسب و سیب و بهار و هم‌چنین در این بخش از داستان در باغ بزرگ باران می‌بارید می‌بینیم که سیب به گردن اسب آویخته شده و این دو از این‌که در کنار هم‌اند خوشحال‌اند، چراکه خود را از تنهایی رها کرده‌اند. انتخاب سیب برای رسیدن به این هدف از طرف نویسنده کاملاً هوشمندانه است، چراکه «اسب در اساطیر اسکاندیناویج نقش میوه توالد و تناسل و میوه جوان‌کننده را برعهده داشت» (شوالیه و گبران ۱۳۸۷: ج ۳، ۷۰۱). در این داستان، درخت سیب و شکوفه‌های اسب را در ابتدای بهار به تولیدمثل پیوند می‌دهد. این پیوستگی اسب و سیب در داستان اسب و سیب و بهار ادامه دار می‌شود.

«کره اسب، شکوفه سیب. پسرک کره‌اسبی را در بهار دید که در زیر درختان سیب در آرزوی ریختن شکوفه‌های سیب بود» (احمدی ۱۳۸۰: ۱۷).

آنچه آن سوی این نمادها نظر خواننده را جلب می‌کند این است که احمدی، با تأمل کوتاه بر این نمادها و سپس گذار و پرش از آنها، تصویری فشرده و سورئالیستی جلوی دیدگان خواننده قرار می‌دهد. او بدین گونه، با نادیده گرفتن روابط علی و معلولی زادوولد

(جفت دیگر برای اسب) و با استفاده از عناصر اسطوره‌ای و نمادین، تخیل را به وانموده‌هایی تبدیل می‌کند که تمام نبوده‌ها را (ترس، تنهایی، و ...) به بود تبدیل می‌کند. او به کودکان، که ابزارهای کافی برای مقابله با دردها و رنج‌ها ندارند، دنیای وسیع و بی‌انتهای تخیل را پیش‌کش می‌کند.

«سورئالیست‌ها به ویران‌گری واقعیت‌های اجتماعی و اخلاقی توجه می‌کنند. ویران‌گری گرایش ویژه آنان به ذهنیت و جهان‌شگفت‌جادویی و بازی زیبایی‌شناختی با متافیزیک است. اما پس از ویران‌گری به سازندگی نیز می‌پردازند» (تسلیمی ۱۳۹۶: ۲۵۰).

احمدی دنیایی را که تنهایی، حسرت، درد، و رنج باعث آزار خود و کودک می‌شود با تخیل و اصل قراردادن وانموده‌های تخیلی بازسازی می‌کند و با استفاده از تصاویر به‌ظاهر بی‌ارتباط از سلطه‌گری روابط علی و معلولی دنیای واقعی می‌کاهد.

کودکان از پنجره اتاق چهارم باغ را دیدند که در آن پسرکی زیر پنجره‌ای نشسته بود. ناگهان دستی از تاریکی پنجره بیرون آمد و به پسرک بوته گل سرخی داد: پسرک به انتهای باغ رفت، زمین را کند، بوته گل سرخ را در زمین کاشت. پسرک دوباره کنار پنجره آمد. دستی به پسرک تنگی بلورین پر از آب داد. پسرک به انتهای باغ رفت و بوته گل سرخ را آب داد. ناگهان دستی از پنجره بیرون آمد و گلدان خالی به پسرک داد. پسرک به انتهای باغ رفت و بوته گل سرخ را داخل گلدان گذاشت. از پنجره دستی بیرون آمد. روی کاغذی نوشته شده بود: "تو دیگر از این بوته هزاران گل سرخ داری". پسرک از کنار پنجره کنار آمد. ناگهان دید پیچک‌های کنار پنجره رشد کردند، پنجره را گرفتند، و پنجره کم‌کم محو شد (احمدی ۱۳۸۷: ۲۸).

این بخش نیز کوتاه‌شده کتابی است به‌نام *بهار بود* (احمدی ۱۳۸۵). کودک از ابتدا فضاها و اتفاقاتی را تجربه می‌کند که از روابط علی و معلولی سر باز می‌زنند و چندان طبیعی نیستند. کودکی که کنار پنجره نشسته است ناگهان با دستی مواجه می‌شود که به او بوته گل سرخ می‌دهد و کودک آن را در باغ می‌کارد. نکته ظریف آن است که کودک این اتفاقات و فضاهای جادویی را می‌پذیرد و چون و چرایی درمورد علت پیدایش آن‌ها ندارد. این مورد شاید با دنیای وسیع تخیل او هماهنگی داشته باشد. در دنیای بی‌کران تخیل کودکان همه چیز شدنی است و کودک به راحتی از این فضاها استقبال می‌کند. داستان این بده‌بستان‌ها ادامه پیدا می‌کند و کودک بی‌درپی از پنجره، که شاید دریچه‌ای به سوی تخیل اوست، تنگ بلورین، فانوس، چراغ، قیچی، گلدان خالی، کاغذ سفید، جعبه مدادرنگی، و آیینه دریافت می‌کند. کودک چنان به وجود این دست و هدایایش باور دارد که هیچ‌کدام از این اتفاقات و

ناگهانی‌ها برای او به منزله نادیده گرفتن قانون علیت نیست. از نظر او اتفاق شگفت‌انگیز بیرون آمدن گاه‌به‌گاه دست و دادن چیزهای مختلف به کودک کاملاً نمادین تلقی می‌شود. این دست ناگهان می‌آید و ناگهان درست در زمانی که کودک آینه‌ای را که دست جادویی به او داد بود به مادر نشان می‌دهد محو می‌شود. احمدی بدین گونه تخیلات شگفت‌انگیز و سورئالیستی کودک (خود) را کاملاً شخصی می‌کند و از آن‌جا که نمی‌تواند این فضای جادویی را از نظر علی و معلولی در دنیای بزرگ سالان توجیه کند، با محو کردن دست و همه آن شگفتی‌ها به شخصی سازی تخیل می‌پردازد. برای او چندان مهم نیست که این تخیل برای دیگران توجیهی داشته باشد یا نه. آنچه مهم است این است که تخیل رنگارنگ او همراه بهار به او چیزهای زیادی بخشیده است و دنیای درون او را، فارغ از سیاهی‌ها و تاریکی‌های جهان (مجهولات)، هم‌زمان با دنیای رنگارنگ بهار کم‌کم روشن کرده است و درنهایت، با نور مطلق خورشید، او را به آگاهی نهایی متصل می‌کند.

## ۵. نتیجه‌گیری

به‌طور کلی، از آن‌جا که فلسفیدن گونه‌ای فعالیت برای شناسایی و فهم امور است، بهترین روش برای انجام آن توسط کودکان تخیل کردن به واسطه داستان و داستان‌پردازی است. در نتیجه، پیوندی عمیق بین ادبیات و فلسفه وجود دارد. داستان یکی از مهم‌ترین ژانرهای ادبی است که برای فهماندن محتواهای فلسفی، زمینه‌های خیال‌پردازی کودکان را برای فلسفیدن فراهم می‌کند و ابزار بسیار مؤثری برای برانگیختن فکر کودکان و ایجاد پرسش و خلق ایده‌های نو در زندگی آنان است. احمد رضا احمدی یکی از نویسندگان حوزه کودکان است که با اذعان داشتن به این امر، غالباً در داستان‌هایش کودکان را دارای تخیل و اندیشمند فرض می‌کند و از این‌رو ذهن هوشمند آنان را به متن داستان‌های خود فرامی‌خواند تا با استفاده از دنیای خیال، آن‌ها را با نگرش‌های فکری تازه آشنا کند. آمیزه واقعیت و وانموده از مقوله‌های فلسفی حاصل دوران پسامدرن است که نه تنها ذهن متفکران و اندیشمندان، بلکه اغلب انسان‌ها و به‌ویژه کودکان، نوجوانان، و جوانان را خواسته یا ناخواسته درگیر خود کرده است.

برطبق نظریه ژان بودریار، نظریه‌پرداز پسامدرن، مصرف‌زدگی بسیار جهانی را آفریده که مرز میان واقعیت و خیال (وانموده) را برداشته است. این موضوع در آثار احمدی به‌خوبی مشهود و قابل تحلیل است. دنیایی که احمدی در داستان‌هایش خلق کرده دنیایی است که کودکانش را از واقعیت به رؤیا پرتاب می‌کند و از ناواقعیت به واقعیت باز می‌گرداند. به‌طور



کلی، به نظر می‌رسد که احمدی از دنیایی قصه می‌گوید که در آن جهان جز وهمی بیش نیست و بود و نبود انسان آن‌چنان در مرز واقعیت و ناواقعیت سردرگم و در تعلیق است که نامعتبر بودن جهان پسامدرن را بازخوانی می‌کند.

بی‌مرزی تخیل در آثار احمدی به‌گونه‌ای است که خواننده را وارد دو دنیای متفاوت می‌کند و به‌قدری دنیای وانموده‌ها پررنگ و بی‌مرزند که خود را به دنیای واقعی تحمیل می‌کنند. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که وانموده‌های این اثر و به‌طور کلی آثار احمدی بیش‌تر تحت تأثیر فلسفه شخصی او در مقام انسان است، انسانی که در میان زندگی کودکی خود و دنیای بزرگی‌اش در نوسان است. به نظر می‌رسد که او، ضمن این‌که تمایل دارد تا با وانموده‌های داستانی‌اش دنیای بی‌مرزی کودکی را در میان‌سالی خود تجسم کند، می‌کوشد تا با ایجاد نوعی احساس هم‌ذات‌پندارانه در کودکان آن‌ها را نیز به فلسفیدن درباره جهان وانموده‌ها وادارد. در داستان‌های احمدی نبود دنیای دل‌خواهش (یعنی کودکی) عاملی برای بروز و ظهور وانموده می‌شود و نغز آن است که وانموده‌های ناب احمدی را کودکان می‌پذیرند. برخلاف نظر بودریار که معتقد است تحمل زندگی در چنین وانموده‌هایی طاقت‌فرسا یا غیرممکن است، احمدی ترجیح می‌دهد دنیای وانموده‌هایش همواره در پیش‌زمینه باشد، چراکه در این دنیا همواره عشق، تازگی، برکت، و زیبایی وجود دارد و نویسنده می‌کوشد تا کودکان را قادر کند تا با تفکر درباره این وانموده‌ها، به آرامشی روحی برسند و از تلخی‌های زندگی روزمره بکاهد. گفتنی است که با وجود این‌که دنیای انگاره‌های پسامدرنی هرگز قابل‌اعتماد نیستند، دنیای متنی داستان‌های احمدی به‌علت شگردهای خیال‌پردازانه برای کودکان و حتی خود احمدی بسیار قابل‌اعتماد می‌شود و در نتیجه، وانمودگی دنیای رنگارنگی را هم برای کودکان و هم برای نویسنده رقم می‌زند. مهم‌ترین شگردهایی که نویسنده سعی دارد تا به‌کمک آن‌ها وانموده‌ها را خلق کند عبارت‌اند از: ۱. یگانگی دنیای خواب و دنیای واقعی؛ ۲. وانمودگی نوشتار جادویی؛ ۳. وانمودگی دنیای سورئالیستی.

کودک داستان‌های احمدی نمی‌خواهد بین دنیای خواب و دنیای واقعی تفاوت قائل شود. دنیای خواب هیچ‌گاه ارتباط کودک را با واقعیت از بین نمی‌برد، بلکه حتی مکمل آن است و در بسیاری موارد بسیاری از راه‌حل‌های گریز از معضلات در دنیای خواب به او نمایانده می‌شود. خصوصیت جادویی نوشتار به فلسفیدن کودک کمک می‌کند. واژگان جادویی احمدی جوان، شاد، و زیبا هستند و از این‌رو تفکر کودکان را به فعالیت وامی‌دارند. او با آفرینش فضایی شگفت‌انگیز و وهم‌آلود از فرصت‌های بی‌کرانی که تخیل سورئالیستی

در اختیارش قرار می‌دهد تنهایی انسان و جهان پیرامونش را برای کودکان به‌نمایش می‌گذارد تا از طریق این وانموده‌های شگفت‌انگیز، امکان بیش‌تر و بهتری برای قابل‌تحمل‌کردن زندگی در جهان معاصر، که با ترس‌ها و تنهایی هم‌راه است، فراهم کند. او، با جای‌گزینی دنیای خیال در دنیای واقعی، راه‌حل‌های رنگینی برای برون‌رفت از مشکلات دنیای واقعی، فروپاشی قدرت ساختارهای فرتوت دیدگاه‌های سنتی، و شکستن نمادها (زندگی‌بخشی به وانموده‌های رنگی و بی‌مرزی این وانموده‌ها) از بی‌مرزی‌های ویران‌گر (هجوم مسلسل‌وار روی داده‌های ناخوشایند) زندگی ارائه می‌دهد و دنیایی را که تنهایی، حسرت، درد، و رنج باعث آزار خود او و کودک می‌شود، با تخیل و اصل‌قرار دادن وانموده‌های تخیلی، بازسازی می‌کند و با استفاده از تصاویر به‌ظاهر بی‌ارتباط از سلطه‌گری روابط علی و معلولی دنیای واقعی می‌کاهد. ارزش وانموده‌های احمدی در این‌جاست که نه‌تنها کودک با تفکر درباره‌ی این وانموده‌ها از تلخی زندگی می‌رهد، بلکه هنگام بازگشت به زندگی واقعی، قوی‌تر و رشدیافته‌تر از قبل خواهد بود.

در نهایت، سخن پایانی این است که می‌توان به‌جرت ادعان داشت که فلسفه‌ی نهانی داستان‌های احمدی بیش‌تر برآمده از اندیشه‌های انسان بزرگ‌سالی است که کودکی را به‌خوبی تجربه کرده است و مفهوم کودک را دقیق می‌شناسد و از این‌رو به‌راحتی می‌تواند مخاطبان کودک خود را با داستان‌پردازی‌هایش به تفکر درباره‌ی زندگی و مؤلفه‌های آن وادارد.

## کتاب‌نامه

- احمدی، احمدرضا (۱۳۸۰)، *اسب و سیب و بهار*، تهران: ماه‌ریز.
- احمدی، احمدرضا (۱۳۸۵)، *بهار بود*، تهران: شب‌او‌یز.
- احمدی، احمدرضا (۱۳۸۷)، *در باغ بزرگ باران می‌بارید*، تهران: افق.
- احمدی، بابک (۱۳۸۰)، *حقیقت و زیبایی*، تهران: نشر مرکز.
- بودریار، ژان و دیگران (۱۳۸۹)، «وانموده‌ها»، در: *سرگشتگی نشانه‌ها، نمونه‌هایی از نقد پسا مدرن*، ترجمه بابک احمدی و دیگران، گردآوری مانی حقیقی، تهران: نشر مرکز.
- بیگربی، سی. وی. ای. (۱۳۷۵)، *داد و سورئالیسم*، ترجمه محسن افشار، تهران: نشر مرکز.
- پاک‌پور، مانیا (۱۳۸۹)، «بررسی سازوکارهای دفاعی کودک از طریق تصویر و روایت داستان (قسمت دوم)»، *کتاب ماه کودک و نوجوان*، س ۱۴، ش ۱۶۰.
- پاینده، حسین (۱۳۸۳)، «فرداستان: سبکی از داستان‌نویسی در عصر پسا مدرن»، *کتاب ماه ادبیات و فلسفه*، س ۸، ش ۸۴.

تحلیل شگردهای وانمودگی و بی‌مرزی در تفکر کودکان ... (فاطمه کاسی و صدیقه علیپور) ۱۶۳

- پاینده، حسین (۱۳۹۰)، *داستان کوتاه در ایران*، ج ۳، تهران: نیلوفر.
- تدینی، منصوره (۱۳۸۸)، *پسامدرنیته در ادبیات داستانی ایران*، تهران: نشر علم.
- تسلیمی، علی (۱۳۹۰)، *تقد ادبی*، تهران: آمه.
- تسلیمی، علی (۱۳۹۶)، *پژوهشی انتقادی کاربردی در مکتب‌های ادبی*، تهران: آمه.
- حامدی شیروان، زهرا و شهلا شریفی (۱۳۹۳)، «بررسی آموزه‌های ایدئولوژیک در پاره‌ای از آثار ادبیات کودک ایران در گروه‌های سنی "د" و "ه"»، *دوفصل‌نامه تفکر و کودک*، س ۴، ش ۲.
- حجاری، محمدجواد و ناصر ملکی (۱۳۹۵)، «وانمودگی در داستان "سوفیا" از مصطفی مستور»، *ایران نامگ*، س ۱، ش ۱.
- حسینی، زهره (۱۳۸۹)، «فلسفه و کودکان»، *فصل‌نامه خردنامه صدر*، س ۱۰.
- خانیک، هادی، فاطمه نوری راد، و وحیده شاه‌حسینی (۱۳۹۶)، «مطالعه روند شکل‌گیری گفت‌وگو در کلاس فلسفه برای کودکان»، *دوفصل‌نامه تفکر و کودک*، س ۸، ش ۲.
- رشتچی، مژگان (۱۳۸۹)، «ادبیات داستانی کودکان و نقش آن در رشد تفکر»، *دوفصل‌نامه تفکر و کودک*، س ۲، ش ۲.
- شرفیان، مهدی و محسن لطفی عزیز (۱۳۹۲)، «وجودشناسی پسامدرن در داستان "رؤیا و کابوس"»، *نوشته ابوتراب خسروی با تکیه بر نظریه وجودشناختی (برایان مک‌هیل)*، *پژوهش‌نامه ادبیات داستانی*، س ۱، ش ۴.
- شوالیه، ژان و آلن گریبان (۱۳۸۷)، *فرهنگ نمادها*، ج ۳، ترجمه سودابه فضائلی، تهران: جیحون.
- شیخه، رضا و دیگران (۱۳۹۸)، «بررسی دیدگاه برساخت‌گرایی اجتماعی درباره کودک و آموزه‌های آن برای برنامه آموزش تفکر به کودکان»، *دوفصل‌نامه تفکر و کودک*، س ۱۰، ش ۲.
- غیبی، مزده و الخاص ویسی (۱۳۹۴)، «تجلی سه نمود حیوانی آنهایتا در افسانه‌های عامیانه ایرانی»، *دوفصل‌نامه علوم ادبی*، س ۵، ش ۸.
- فروم، اریک (۱۳۸۸)، *زبان‌زایدرفته*، ترجمه ابراهیم امانت، تهران: مروارید.
- فیشر، رابرت (۱۳۸۶)، *آموزش تفکر به کودکان*، ترجمه مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان، اهواز: رسش.
- کاسی، فاطمه (۱۳۹۹)، *پدیدارشناسی بی‌مرزی در داستان‌های کودکان احمدرضا احمدی*، تهران: ماه و خورشید.
- کم، فیلیپ (۱۳۹۲)، *هم‌اندیشی روش پرورش مهارت‌های تفکر*، ترجمه مریم خسرونژاد، تهران: قطره.
- کوکبی، مرتضی، عباس حری، و لیلا مکتبی فرد (۱۳۸۹)، «بررسی مهارت‌های تفکر انتقادی در داستان‌های کودکان و نوجوانان»، *مجله مطالعات ادبیات کودک*، س ۱، ش ۲.
- کیویستو، پیتر (۱۳۸۰)، *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

۱۶۴ تفکر و کودک، سال یازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹

مجاوری آگاه، مسعود (۱۳۹۲)، «بررسی سبک و فضاهاى سورئالیستی در تصویرسازی ادبیات داستانی»، کتاب ماه کودک و نوجوان، س ۱۶، ش ۹.

محمودی، علیرضا و سوسن پسانین (۱۳۹۶)، «مؤلفه‌های پست‌مدرن مجموعه داستانی یوزپلنگانی که با من دویده‌اند، بیژن نجدی»، فصل‌نامه جستارهای داستانی در ادب فارسی، س ۵، ش ۱.  
مرعشی، سیدمنصور، مسعود صفایی مقدم، و پروین خزامی (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر اجرای برنامه آموزشی فلسفه برای کودکان به روش اجتماع پژوهشی بر رشد قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر اهواز»، دوفصل‌نامه تفکر و کودک، س ۱، ش ۱.  
مقداری، صدیقه سادات (۱۳۹۵)، «تحلیل تطبیقی رنگ در کتاب‌های داستانی نوشته‌شده و ترجمه‌شده فارسی برای کودکان براساس الگوی پیتر (۲۰۰۸)»، فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی، س ۴، ش ۱۶.

نورتون، دونا (۱۳۸۲)، شناخت ادبیات کودکان، ترجمه منصوره راعی و دیگران، تهران: قلمرو.

Baudrillard, J. (1976), *Lechange Symbolique Et La Mor*, Paris: Gallimard.

Baudrillard, J. (1981), *Simulacres Et Simulation*, Paris: Galilee.